

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيْمِ

مقدمه‌ای بر تاریخ مغرب اسلامی

(ویراست دوم)

دکتر عبدالله ناصری طاهری



پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

زمستان ۱۳۹۲

ناصری طاهری، عبدالله، ۱۳۳۹- .
مقدمه‌ای بر تاریخ مغرب اسلامی / عبدالله ناصری طاهری. - قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۵
هفت، ۳۶۰ ص: نقشه، تصویر. - (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛ ۱۲۰؛ تاریخ؛ ۳۰)
ISBN: 978-964-7788-68-7
بها: ۱۸۰۰ ریال
فهرستنويسي براساس اطلاعات فبيا.
كتابنامه: ص. [۳۰۵] - ۳۲۷؛ همچنین به صورت زيرنويس.
نمایه.
ج. ۲. ۱۳۸۸. ج. ۳. ۱۳۸۹. ج. ۴. ۱۳۹۱. ج. ۵. زمستان ۱۳۹۲، بها: ۹۱۰۰ ریال.
۱. آفریقای شمالی - تاریخ، ۹۲۳-۲۷. ۲. اندلس - تاریخ. الف. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. ب. عنوان.
۹۶۱ / ۰۲ DT ۱۷۳ / ۲ ن / ۹۶۱
شماره کتابشناسی ملی



مقدمه‌ای بر تاریخ مغرب اسلامی
نویسنده: دکتر عبدالله ناصری طاهری
ناشر: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه
حروفچینی و صفحه‌آرایی: اداره چاپ و انتشارات پژوهشگاه
چاپ پنجم: ویراست دوم، زمستان ۱۳۹۲ (چاپ چهارم: ۱۳۹۱)
تعداد: ۱۵۰۰ نسخه
لیتوگرافی: سعیدی
چاپ: قم - جعفری
قیمت: ۹۱۰۰ تومان

کلیه حقوق برای پژوهشگاه حوزه و دانشگاه محفوظ و نقل مطالب با ذکر مأخذ بلا مانع است.
قم: ابتدای شهرک پردیسان، بلوار دانشگاه، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تلفن: ۰۲۵-۳۲۱۱۱۱۱۱-۳۰۰ (انتشارات: ۳۲۱۱۱۳۰۰ نمایر: ۲۸۰۳۰۹۰)
ص.پ. ۳۱۵۱-۳۷۱۸۵-۶۶۴۰۲۶۰۰-۶۶۴۰۲۶۰۰ و ۰۲۱-۶۶۹۷۸۹۲۰-۶۶۹۷۸۹۲۰ ● تهران: خ انتقالاب، بین وصال و قدس، نیش کوی اسکو، تلفن: ۰۲۱-۶۶۴۰۲۶۰۰

سخن پژوهشگاه

پژوهش در علوم انسانی [به منظور شناخت، برنامه‌ریزی و ضبط و مهار پدیده‌های انسانی] در راستای سعادت واقعی بشر ضرورتی انکارناپذیر و استفاده از عقل و آموزه‌های وحیانی در کنار داده‌های تجربی و در نظر گرفتن واقعیت‌های عینی و فرهنگ و ارزش‌های اصیل جوامع، شرط اساسی پویایی، واقع‌نمایی و کارآیی این‌گونه پژوهش‌ها در هر جامعه است.

پژوهش کارآمد در جامعه ایران اسلامی در گرو شناخت واقعیت‌های جامعه از یکسو و اسلام به عنوان متقن‌ترین آموزه‌های وحیانی و اساسی‌ترین مؤلفه فرهنگ ایرانی از سوی دیگر است؛ از این‌رو، آگاهی دقیق و عمیق از معارف اسلامی و بهره‌گیری از آن در پژوهش، بازنگری و بومی‌سازی مبانی و مسائل علوم انسانی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

توجه به این حقیقت راهبردی از سوی امام خمینی(ره) بنیانگذار جمهوری اسلامی، زمینه شکل‌گیری دفتر همکاری حوزه و دانشگاه را در سال ۱۳۶۱ فراهم ساخت و با راهنمایی و عنایت ایشان و همت اساتید حوزه و دانشگاه، این نهاد علمی شکل گرفت. تجربه موفق این نهاد، زمینه را برای گسترش فعالیت‌های آن فراهم آورد و با تصویب شورای گسترش آموزش عالی در سال ۱۳۷۷ «پژوهشکده حوزه و دانشگاه» تأسیس شد و در سال ۱۳۸۲ به « مؤسسه پژوهشی حوزه و دانشگاه» و در سال ۱۳۸۳ به «پژوهشگاه حوزه و دانشگاه» ارتقا یافت.

پژوهشگاه تاکنون در ایفای رسالت سنگین خود خدمات فراوانی به جوامع علمی ارائه نموده است که از آن جمله می‌توان به تهیه، تأليف، ترجمه و انتشار دهای کتاب و نشریه علمی اشاره کرد.

کتاب حاضر به عنوان متن درسی برای دانشجویان مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد و قابل استفاده اساتید و دانشجویان مقطع دکترا برای رشته‌های «تاریخ اسلام» و «تاریخ تمدن اسلامی» و نیز دیگر علاقه‌مندان به مطالعات تاریخی در زمینهٔ مغرب اسلامی تهیه شده است. از استادان و صاحب‌نظران ارجمند تقاضاً می‌شود با همکاری، راهنمایی و پیشنهادهای اصلاحی خود، این پژوهشگاه را در جهت اصلاح کتاب حاضر و تدوین دیگر آثار مورد نیاز جامعه دانشگاهی یاری دهند.

در پایان پژوهشگاه لازم می‌داند از تلاش‌های مؤلف محترم کتاب جناب آقای دکتر عبدالله ناصری طاهری و نیز حجت‌الاسلام والمسلمین رسول جعفریان مدیر وقت گروه تاریخ برای فراهم آوردن زمینهٔ چاپ این اثر سپاسگزاری نماید.

فهرست مطالب

۱	پیشگفتار
۳	پیش درآمد: بررسی مدرسه تاریخ‌نگاری اسلامی در مغرب اسلامی
۳	مدرسه تاریخ‌نگاری اسلامی در مغرب اسلامی
۵	تاریخ‌نگاران اندلس
۱۷	تاریخ‌نگاران شمال آفریقا
کتاب اول: شمال آفریقا / ۳۷	
۳۹	فصل اول: جغرافیای مغرب اسلامی
۴۴	شمال آفریقا قبل از اسلام
۴۶	فصل دوم: فتح شمال آفریقا
۴۶	اوضاع دینی شمال آفریقا
۴۹	شمال آفریقا در عصر امویان
۵۸	زمینه قیام‌ها در مغرب اسلامی
۶۳	فصل سوم: شمال آفریقا در آغاز دولت عباسی
۶۴	خوارج در مغرب اسلامی
۶۶	فاتحان و والیان شمال آفریقا (از فتح تا دولتهای مستقل)
۶۹	فصل چهارم: دولتهای مستقل در شمال آفریقا
۷۵	دولت بنورستم و مسلک ابااضی مذهب
۷۶	عبدالرحمان بن رستم که بود؟
۸۱	نظام تعلیم و تربیت یا تبلیغ ابااضیان
۸۳	اباضیان معاصر در شمال آفریقا

۸۵	ادریسیان، درخشش شیعه در شمال آفریقا
۹۲	آغاز تلاش ادریسیان
۹۸	شهر فاس
۱۰۱	ادریسیان و همسایگان
۱۰۲	بازماندگان ادریسی در مغرب اسلامی
۱۰۸	دغدغه خلافت بغداد نسبت به مغرب و تشکیل دولت اغلبی
۱۱۱	بنواغلب و گسترش اسلام در سیسیل
۱۱۶	نقش نورماندی‌ها در گسترش تمدن اسلامی
۱۲۱	فاطمیان اسماعیلی در شمال آفریقا
۱۲۷	دولت فاطمی در شمال آفریقا
۱۲۸	ابوعبدالله شیعی در مغرب
۱۳۶	عموزادگان حمادی در مغرب میانه
۱۳۸	اوضاع اقتصادی و اجتماعی
۱۴۳	مرابطین امپراتوری‌های برابر در مغرب اسلامی
۱۴۵	یوسف بن تاشفین مؤسس دولت
۱۴۸	تعصب دینی یوسف
۱۴۹	دوران گسترش مرابطین
۱۵۲	اوضاع اقتصادی و اجتماعی در عصر مرابطین
۱۵۴	مبارزه با فلسفه، جلوه زشت استبداد مرابطی
۱۵۷	موحدین در مغرب اسلامی
۱۵۹	۱. توحید
۱۵۹	۲. امامت
۱۶۰	۳. امر به معروف و نهی از منکر
۱۶۲	آغاز عصر نوین در دولت موحدین
۱۷۱	زمینه‌های سقوط موحدین و تجزیه امپراتوری مغرب
۱۷۷	شمال آفریقا پس از موحدین
۱۷۷	بنوحفص در مغرب الادنی
۱۷۸	جنگ صلیبی تونس
۱۸۲	عاقبت جنگ هشتم
۱۸۵	اقتصاد مغرب الادنی در عصر بنوحفص
۱۸۷	صفحات میانی شمال آفریقا پس از موحدین
۱۸۹	بنومرین و مغرب الاقصی
۱۹۴	شمال آفریقا و عصر جدید
۱۹۷	محورهای مطالعاتی و پژوهشی کتاب اول

کتاب دوم: اندلس / ۱۹۸

۲۰۰	فصل اول: حدود جغرافیایی اندلس
۲۰۲	فصل دوم: اندلس در آغازین دوره حیات
۲۱۲	فصل سوم: روزگار والیان
۲۱۳	آخرین نبرد در پیشروی
۲۱۵	جامعه اندلس پس از فتح (عصر والیان)
۲۱۸	عرب و برب - نزاع درون خانه
۲۲۶	فصل چهارم: اندلس در سیطره امویان
۲۳۸	عصر حکم دوم
۲۴۰	آغاز سقوط
۲۴۵	عصر ملوک الطوایف یا پراکنده‌شاهی در اندلس
۲۴۵	بنو حمود در قرطبه، مالقه و جزیره الخضرا (۴۴۹-۴۰۷ق)
۲۴۷	بنو ذوالنون در طلیطله (۴۷۸-۴۲۷ق)
۲۴۹	بنو عباد در اشبيلیه (۴۸۴-۴۱۴ق)
۲۵۰	بنو جهور در قرطبه (۴۶۲-۴۲۲ق)
۲۵۱	بنو تجیب در سرقسطه (۴۳۰-۴۰۸ق)
۲۵۳	همسایگان جنوبی برب در اندلس
۲۶۱	آخرین دولت و تبدیل اندلس به اسپانیای مسیحی
۲۸۱	پس از سقوط
۲۸۷	نگاهی به دوران پایانی اندلس اسلامی و بررسی علل آن
۲۹۱	چرا این چنین شد؟
۳۰۱	محورهای مطالعاتی و پژوهشی کتاب دوم
۳۰۲	اصطلاحات تاریخی (و جغرافیایی) مغرب اسلامی
۳۱۰	کتاب‌شناسی تاریخ مغرب اسلامی
۳۲۹	نمایه‌ها

پیشگفتار

مغرب اسلامی که جغرافی دانان و مورخان، آن را از غرب مصر تا شبه جزیره ایبری یا اندلس می دانند سرزمینی پر حادثه و عبرت آموز است. چگونگی فتح آن سرزمین در طول هشت دهه از سده نخست هجرت، جایگزینی قبایل عرب و درگیری بی دربی آنها با بومیان آن خطه (بربرها و گوت‌ها) و تأثیر آن بر افول قدرت مسلمانان در شبه جزیره اندلس و نیز بحران‌های بی دربی میان مسلمانان در شمال آفریقا، از فصل‌های خواندنی و تأمل انگیز تاریخ اسلام است. آشنایی اندک ایرانیان با این حوزه از جغرافیای اسلامی، نویسنده را بر آن داشت تا تاریخ مغرب اسلامی را که چکیده‌ای از مباحث مطرح شده با دانشجویان دوره دکترا در چند دوره است بازپژوهی کند و در دسترس علاقه‌مندان و دانش‌پژوهان تاریخ اسلام قرار دهد. اینک پس از شش سال و سه مرحله چاپ و نشر این کتاب درسی توسط پژوهشگاه حوزه دانشگاه — که از مراکز مراتبه به وزارت علوم، تحقیقات و فناوری است — تصمیم گرفتم در آن بازنگری کنم. اینک ویراست جدید این کتاب که فصلی از تاریخ سیاسی اجتماعی مغرب اسلامی (شمال آفریقا و اندلس) است به همراه چند نقشه و تصویر، فهرست اصطلاحات تاریخی مغرب اسلامی و کتاب‌شناسی مغرب اسلامی که بیشتر کتب معرفی شده مورد بهره‌برداری این پژوهش و درسنامه بوده پیش روی دانشجویان و پژوهشگران گرامی است.

در ویراست جدید و در پایان دو کتاب اول و دوم — شمال آفریقا و اندلس — چند محور مطالعاتی و پژوهشی ارائه شده تا دانشجویان عزیز زیر نظر اساتید خود در آن حوزه‌ها مطالعه و پژوهش کنند. این محورها برای هر فصلی از تاریخ مغرب اسلامی قابل تعمیم است.

نمی‌توان این مقدمه کوتاه را بی‌سپاس از مسئولان پژوهشگاه حوزه و دانشگاه خصوصاً گروه تاریخ آن که با بیش از دو دهه تلاش علمی و اطلاع‌رسانی اوراق جدید و خواندنی از

تاریخ اسلام و تمدن اسلامی را پیش روی ایرانیان نهادند به پایان برد، همچنین فرصت را مغتنم شمرده از مدیران عزیز ادواری گروه تاریخ آفایان استاد رسول جعفریان، دکتر مقدم، هدایت پناه، دکتر داداش نژاد و نیز کارشناسان پرتلایش و پیگیر گروه آقایان یارمحمدی و حاجی امینی تشکر نمایم. امید است این ثمر تاریخی پرفاایده باشد.

عبدالله ناصری طاهری

زمستان ۱۳۹۰

پیش‌درآمد

بررسی مدرسه تاریخ‌نگاری اسلامی در مغرب اسلامی

مدرسه تاریخ‌نگاری اسلامی در مغرب اسلامی

در بررسی متون و منابع تاریخی این حوزه از جغرافیای اسلامی تا حدودی تفکیک اولیه میان شمال آفریقا و اندلس ضروری است؛ بدین معنا که در بررسی اولیه، تاریخ‌نگاری شمال آفریقا در مقایسه با مشرق اسلامی افزون بر محدودیت و عدم گسترده‌گی، از نظر تعداد متون، کمتر و از نظر زمانی متأخر است.^۱ در صورتی که در اندلس چنین نیست. در اندلس منابع تاریخی متنوع‌تر و تا حدودی قدیمی‌تر است. در سیر تاریخ‌نگاری اسلامی شمال آفریقا هرچه جلوتر می‌رویم، قوت و تنوع تاریخ‌نگاری را بیشتر شاهدیم. نکته قابل اعتمادی دیگر در بررسی مدرسه تاریخ‌نگاری مغرب اسلامی این است که مورخان، بیشتر اندلسی‌اند تا آفریقایی. در ضمن برخورد مسیحیان و صاحبان کلیسا پس از سقوط اندلس با میراث مکتب اسلامی باعث شده تا در مورد تاریخ مغرب اسلامی کمی با تأمل اظهار نظر کرد — همانند اظهار نظر درباره اسماعیلیان، بهویژه اسماعیلیان نخستین که بخش اعظمی از میراث تاریخی خود را پس از سقوط فاطمیان در مصر و دولت الموت در ایران از دست دادند — زیرا آنچه را کاردینال خیمنس پس از سقوط آخرین دولت اسلامی در اندلس مرتکب شد و به قول پاسکوال گایانگوس، هزاران نسخه از مکتوبات عربی از جمله کتاب‌های تاریخی را در غربناطه سوازند.^۲ سبب خلاصه مطالعاتی در تاریخ مغرب اسلامی بهویژه اندلس شده است. از سوی دیگر چون بیشتر تاریخ‌نگاران این حوزه جغرافیایی، خصوصاً از قرن پنجم به بعد متکلمان و فقیهانی

۱. کاهن، درآمدی بر تاریخ اسلام و قرون وسطی، ص ۲۷۲ و سوازه، مدخل تاریخ شرق اسلامی، ص ۳۹۹.

2. Pasvald de Gayangos, *The History of the Muhammed Dynasties in Spain*, Vol.I, pp.VIII-TX.

هستند که در مدارس کلام عمومی «اشاعره» و فقه فراغیر «مالکی» دانش آموخته‌اند، رویکرد تحلیلی و علمی در آثار آنها کمتر به چشم می‌خورد. بنابراین، اینکه بعضی از معاصران، تاریخ‌نگاری مغرب و خصوصاً اندلس را از قرن پنجم به بعد بر پایه اصول عقلی و نقد علمی دانسته‌اند به نظر مبالغه است.^۱ به عنوان مثال اخبار فتوح اولیه، لبریز از اساطیر عربی است که به قول بویکا خاورشناس معروف، تحت تأثیر تاریخ‌نگاری اعراب یمانی در صدد ایجاد پیوند تاریخی میان مغرب اسلامی، بهویژه اندلس با جنوب جزیره‌العرب بوده است.^۲

بیش از آنکه بحث را پی بگیریم ناگزیر به یادآوری چند نکته هستیم:

۱. ما بنا نداریم تاریخ‌نگاری مغرب اسلامی و تاریخ‌نگاران مغاربه را کامل پژوهش کنیم، به طور مثال بوده‌اند کسانی از مغاربه که به سبک و سیاق تاریخ‌نگاری مشرق اسلامی دست به تألیف زده‌اند، مانند اطلاعات مندرج در العقد الفريد ابن عبد‌الله (۳۲۸-۲۴۶ق) یا الاستیعاب فی معرفة الاصحاب ابن عبدالبر (۴۶۳م)، الدر المنظم فی مولد النبی المعظم نوشته ابوالعباس احمد بن محمد لخمي سبتي (۵۵۷-۳۳۶ق)، الاعلام المبين فی مفاضلة بین اهل صفين اثر ابن دحیه کلبی اندلسی (۵۴۴-۴۳۶ق). همین مورخ، النراس فی تاریخ خلفاء بنی العباس را بر جای گذاشته که هر دو اثر در دست ماست؛

۲. بوده‌اند مورخانی در مشرق اسلامی که به تفصیل درباره تاریخ مغرب اسلامی (شمال آفریقا و اندلس) نوشته‌اند، مانند آنچه ابن اثیر جزری در الكامل فی التاریخ بر جای گذاشته است؛

۳. بخشی از منابع و متون غیر تاریخی که پژوهشگر تاریخ مغرب اسلامی، خصوصاً در حوزه تاریخ اجتماعی ناچار به مراجعه به آنهاست در این بررسی نیامده، مانند احکام السوق یحیی بن عمر کنانی (۲۱۳-۲۸۹ق) که در عصر نوشته شده، یا حسبه نوشته ابن عبدون اندلسی (۵۲۹م)^۳ و یا الشوف إلی رجال النصوف^۴ اثر یوسف بن یحیی زیات تادلی (۲۷۲م)؛

۴. نخستین تاریخ‌نگارانی که از این حوزه نوشته‌اند، مصریان‌اند، زیرا هم‌جواری مصر با مغرب و تقدم تاریخ‌نگاری در مصر و پل ارتباطی این سرزمین میان شرق و غرب اسلامی

۱. عمر فروخ، تاریخ الادب العربي، ج ۴، ص ۳۹۵.

۲. بویکا، المصادر التاريخية العربية في الاندلس، ص ۱۶.

۳. سوازه، مدخل تاریخ شرق اسلامی، ص ۴۰۱.

۴. به اهتمام ادولف فور در سال ۱۹۶۲ م در ریاط چاپ شده است.

ایجاب می‌کرد عالمان مصری به اخبار مغرب اسلامی توجه خاصی داشته باشند. به قول بویکا، لیث بن سعد مصری (۹۴-۱۷۵ق) ظاهراً نخستین کسی بوده که اخبار فتح اندلسی را آمیخته با اساطیر اعراب یمانی جنوب جمع‌آوری کرده و از طریق شاگردانش نشر داده است.^۱ و همین اخبار بوده که پایه تاریخ‌نگری در اندلس شده است. اما به نظر می‌رسد پیشکسوت او عیسی بن محمد بن سلیمان بن ابی‌المهاجر، نواده ابوالمهاجر دینار سردار معروف مغرب اسلامی، نخستین تاریخ‌نگار مدرسه مصری است که کتابی درباره فتوح افریقیه نوشته است.^۲ این کتاب اینک در دست نیست. ابوالقاسم عبدالرحمن بن عبدالله بن عبدالحكم مصری معروف به ابن‌عبدالحكم مصری (۱۸۷-۲۵۷ق) با نگارش فتوح مصر والمغرب والاندلس^۳ مشهورترین تاریخ‌نگار مصری در مدرسه مغرب اسلامی است، برگرفته از روایات لیث بن سعد و دیگر محدثان مصری و از منابع مهم و مرجع تاریخ مغرب در قرون نخستین است؛ ۵. تقسیم‌بندی تاریخ‌نگاری مغرب اسلامی به دو بخش اندلس و شمال آفریقا باید با تسامح دیده شود، زیرا از افارقه هستند که فقط درباره اندلس نوشته‌اند مانند مقری تلمسانی یا اندلسیونی که بیشتر درباره شمال آفریقا نوشته‌اند مانند لئوی آفریقایی.

تاریخ‌نگاران اندلس

عبدالملک بن حبیب (۱۸۱-۲۳۸ق) با نگارش تاریخ عمومی خود که فقط بخشی از آن در دسترس است،^۴ نخستین تاریخ‌نگاری است که اطلاعاتی درباره فتوح طارق بن زیاد و موسی بن نصیر در اندلس و نیز والیان عصر اموی به دست می‌دهد، هرچند روایات او با اساطیر تاریخی آمیخته است مانند آنچه در مورد گشودن اندلس توسط سپاه مسلمانان آورده است.^۵ او

۱. بویکا، المصادر التاريخية العربية في الاندلس، ص ۱۷.

۲. محمد بن احمد بن تمیم قیروانی، طبقات علماء افریقیة و تونس، ص ۲۰۶. این تراجم‌نویس قیروانی در قرن چهارم هجری در کتاب خود مکرر از این مورخ نقل می‌کند.

۳. به دلیل آنکه بیشتر مطالب در مورد مصر است، نام فتوح مصر و اخبارها به خود گرفته و بخش پنجم آن در مورد مغرب اسلامی است که با این مشخصات چاپ شده است: ابن‌عبدالحكم مصری، فتوح افریقیة والاندلس. کتاب اصلی با این نام چاپ شده است: فتوح مصر و اخبارها، تحقیق محمد حجیری.

۴. ابن‌حبیب اندلسی، کتاب التاریخ. البته پیش از این بخشی از کتاب با عنوان استفتاح الاندلس توسط محمود علی مکی در نشریه معهد الدراسات الاسلامیه در مادرید چاپ شده است (۱۹۷۵م).

۵. ر.ک: همان، ص ۱۳۶-۱۴۹.

که پس از استقرار در قرطبه در سال ۲۱۸ق از فقیهان و قاضیان دربار امیر عبدالرحمان دوم شد، نخستین اندلسی است که درباره سرزمین خود نوشته است.

بويکا احتمال می‌دهد تاریخ عمومی او پس از مرگش و به دست یکی از شاگردانش تحریر شده باشد.^۱ اين خاورشناس در مقایسه تاریخ ابن حیب اندلسی با سیره ابن اسحاق چنین نتیجه‌گيري می‌کند که منشأ هر دو کتاب درباره «ابتدای عالم و خلق آن» یکی بوده است.^۲ آنچه باید تأکید کرد این است که تاریخ عبدالملک بن حیب اندلسی نمونه بارز تأثیرگذاری تاریخ اسلامی اندلس در قرون اولیه (دوم و سوم) از منابع، متون و راویان شرقی است.

معارک بن مروان بن عبدالملک بن مروان موسی بن نصیر از نوادگان سردار بزرگ مغرب اسلامی (موسی بن نصیر) و معاصر ابن حیب یکی دیگر از نویسندهای تاریخ اندلس است. محمود علی مکی محقق و تاریخ پژوه معاصر اسلامی بر این باور است که آنچه ابن قتبیه دینوری در مورد زندگانی موسی بن نصیر در الامامة والسياسة آورده از کتاب مفقود معارک بن مروان است.^۳

در قرن‌های سوم و چهارم هجری شاهد رونق تاریخ‌نگاری در اندلس هستیم، زیرا حکم دوم در دوره شانزده ساله حکومتش (۳۵۰-۳۶۶ق) با حمایت از مورخان، مدرسه‌های خاصی را بنیان گذاشت.^۴ در این مدرسه کاتبان با دفاع از خاندان اموی و ضرورت وحدت سیاسی اندلس، در اطراف شخصیت خلیفه اموی و حاکمان اندلس قلم زده‌اند.^۵ در این زمان خاندان رازی با سه چهره پدربرگ، پدر و فرزند، خوش درخشیدند:

۱. محمد بن موسی بن بشیر کنانی رازی از اهالی ری بود که در لباس تجارت به اندلس آمده و در نیمه دوم قرن سوم هجری در البیره^۶ از دنیا رفت. او که در دربار محمد بن عبدالرحمان دوم (۲۳۸-۲۷۳ق) و فرزندش منذر (۲۷۳-۲۷۵ق) دو تن از امراء اموی اندلس

۱. بويکا، المصادر التاريخية العربية في الاندلس، ص ۴۸. عبدالواحد ذنون طه در کتاب خود با نام نشأة التدوين التاريحي في الاندلس (ص ۱۴) نام اين شاگرد را ابن ابي الرقاع ذكر كرده است.

۲. همان، ص ۵۰.

۳. ذنون طه، دراسات في التاريخ الاندلسي، ص ۱۰۲.

۴. بويکا، المصادر التاريخية العربية في الاندلس، ص ۷۹.

۵. همان، ص ۸۰.

زیسته، کتابی با نام الایات درباره فتح اندلس و توزیع قبایل عربی در آنجا نوشته که اینک مفقود است. البته یکی از امیران و ادیبان اندلس به نام محمد بن عیسیٰ بن مزن (م ۴۵۰ق) نسخه‌ای از آن را در یکی از کتابخانه‌های اشبيلیه^۱ دیده است.^۲ اگرچه خاورشناسانی چون لوی پروونسال^۳ و گارسیا گومز^۴ اساساً منکر تاریخ‌نگاری و انتساب هر کتابی به محمد بن موسی رازی هستند.^۵

۲. احمد بن موسی رازی (۲۷۴-۳۴۴ق) فرزند محمد بن موسی که افزون بر تأثیرپذیری از پدر، از ابومحمد قاسم بن اصیخ بن محمد بیانی^۶ که در تاریخ و انساب دستی داشته، بیش از همه بهره گرفته است. احمد بن موسی رازی را دست کم در اندلس باید پیشتاز پیوند میان تاریخ و جغرافیا دانست.^۷ او آثار زیادی نوشته، اما اخبار ملوک الاندلس و اعیان الموالی در باب تاریخ اندلس و مسالک الاندلس و مراسیها و أمهات أعيان مدنه و أجنادها استه در جغرافیای اندلس که درواقع مقدمه کتاب تاریخی اوست^۸ از همه برجسته‌ترند. دقیقت در گاهانگاری،^۹ توجه به مسائل جغرافیای تاریخی، اوضاع اجتماعی اندلس، مانند نزاع عرب و ببر از ویژگی‌های تاریخ‌نگاری اوست. به قول دکتر عبدالواحد ذنون طه این ویژگی باعث شده تا کسانی مانند صاحب اخبار مجموعه، ابن‌ابار، ابن‌خطیب غرناطی، ابن‌عذاری و مقری از او فراوان بهره‌برداری کنند.^{۱۰} از آثار او فقط بخشی که توسط گایاگونس و پیدال^{۱۱} به اسپانیولی

1. Seville

۲. ذنون طه، دراسات فی التاریخ الاندلسی، ص ۱۰۶.

3. Levi Provencal

4. Garcia Gomez

۵. همان، ص ۱۰۵ و بویکا، المصادر التاریخیة العربية فی الاندلس، ص ۶۲ و ۶۳.

۶. قاسم بن اصیخ بیانی (۲۴۴-۳۴۰ق) به همراه دوست خود ولید بن خیزان که از قاضیان مسیحی قرطبه بود کتاب تاریخ مورخ اسپانیابی فرن چهارم و پنجم میلادی، پائولو اورسیوس (Paulus Horosius) (Paulus Horosius) را از لاتین به عربی برگردانده است. این کتاب را رومانوس (Romanos) امپراتور بیزانس در سال ۳۳۷ق برای عبدالرحمان سوم خلیفه اموی اندلس فرستاده بود. نسخه‌ای منحصر به فرد از این ترجمه در دانشگاه کلمبیا در نیویورک و به شماره (H893712x) موجود است (ر.ک: ذنون طه، نشأة التدوين التاریخی فی الاندلس، ص ۳۴ و ۳۵).

۷. مؤنس، تاریخ الجغرافیه والجغرافین فی الاندلس، ص ۵۴ و ۵۵.

۸. ذنون طه، دراسات فی التاریخ الاندلس، ص ۱۰۵ و ذنون طه، الفتح والاستقرار العریی الاسلامی...، ص ۱۹.

۹. فرزندش عیسیٰ بن احمد رازی او را بنیانگذار تاریخ‌نگاری حولیات در اسپانیا می‌داند (ر.ک: بویکا، المصادر التاریخیة العربية فی الاندلس، ص ۱۰۱).

۱۰. ذنون طه، دراسات فی التاریخ الاندلسی، ص ۱۰۹ و ۱۱۱.

11. R. Menendez Pedal

(ترجمه شده از زبان پرتغالی و لاتین) برگردانده شده، بر جای مانده است. این بخش بر جای مانده، متن‌گذاری اندلس و تاریخ اسپانیا از عصر قدیم تا فتح اسلامی و از آن پس تا روزگار رازی است.^۱

۳. عیسی بن احمد بن موسی (۳۷۹ق) نواده محمد بن موسی نیز سه کتاب نوشته که هر سه مفقود است. یکی درباره وزرای اندلس و دیگری درباره حاجب‌ها موسوم به «حجّاب الخلفاء بالأندلس» و سومی در تاریخ اندلس. کتاب سوم یکی از مهم‌ترین متون تاریخ اجتماعی اندلس است؛ قلمروی که مورخان اندلس کمتر به آن توجه داشته‌اند. کتاب او از منابع اصلی مورخانی چون ابن حیان، ابن‌ابار، ابن‌فرضی و ابن‌عذاری به شمار است.^۲ دیگر از مورخان این دوره، عبدالله بن عبیدالله ازدی ملقب به خکیم است که با تدوین کتاب انساب الداخلين الى الاندلس من العرب وغيرهم و اهداى آن به عبدالرحمن سوم خلیفه اموی، تاریخ خلفای اموی، قبیله قریش و موالیان آن، چهره‌های مشهور عرب و بربر را که به غرب و اندلس آمدند بیان می‌کند. جز بخش‌هایی از این کتاب که انصاری مورخ قرن هفتم در کتاب خود به نام الذیل والتکمله لكتابی الموصول والصله^۳ آورده بقیه در دست نیست. اخبار مجموعه فتح الاندلس و ذکر امرائها رحمهم الله والحروب الواقعه فيهما يبنهم^۴ معروف به اخبار مجموعه نوشته یکی از تاریخ‌نگاران ناشناخته قرن چهارم در اندلس است و در بردارنده تاریخ فتح اندلس تا پایان روزگار عبدالرحمن سوم خلیفه اموی می‌باشد.^۵ همچنین فتح قرطبه، ورود اعراب شامي به اندلس، نزاع اعراب با یکدیگر و با بربرها، ورود عبدالرحمن الداخل به شبه‌جزیره ایبری و مطالبی دیگر به دور از اساطیر تاریخی از محتوای اخبار مجموعه به شمار است. مورخ مجھول دیگری در همین دوران کتابی به نام فتح الاندلس^۶ طبق سال‌شمار نوشته که در آن به بهره‌گیری از ابن‌حبيب اندلسی، احمد بن موسی رازی، ابن‌حزم و ابن‌حیان اشاره دارد.

۱. همان، ص ۱۱۵ و ۱۱۶ و ۲۰۵ و ۲۰۶.

۲. ر.ک: ذنون طه، نشأة التدوين التاريخي العربي في الاندلس، ص ۴۹-۵۶.

۳. ابوعبدالله محمد انصاری، الذیل والتکمله لكتابی الموصول والصله.

۴. تحقیق ابراهیم ایاری، چاپ دوم، قاهره (دارالکتاب المصري) و بیروت (دارالکتاب اللبناني)، ۱۴۱۰ق.

۵. محقق دوم این متن تاریخی (ابراهیم ایاری) در مقدمه کوتاهی، قراین تاریخی زمان تأثیف را شرح داده است.

۶. محقق اول این کتاب امیلیو لا فونته خاورشناس اسپانیایی بوده است.

۷. به اهتمام دون خواکین کونتالیث (گونزالس)، الجزایر، ۱۸۸۹م.

ابویکر محمد بن عمر بن العزیز ابراهیم بن عیسیٰ بن مزاحم اندلسی معروف به ابن قوطیه (۳۶۷-۳۶۸ق) از نسل آخرین پادشاه گوت‌ها کتاب *تاریخ افتتاح الاندلس*^۱ را نوشت. این منبع تاریخی کهن در بردارنده تاریخ این سرزمین از آغاز فتح تا مرگ امیر عبدالله بن محمد اموی (حکم ۲۷۴-۳۰۰ق) می‌باشد. بعضی پژوهشگران غربی مانند رافائل والنسیا^۲ معتقدند این کتاب انشای ابن قوطیه نیست، بلکه شنیدنی‌های دیگران از اوست.^۳

ابوالولید عبدالله بن یوسف بن نصر از دی قرطبی، مشهور به ابن فرضی (۴۰۳-۳۵۱ق) مولود و دانش‌آموخته اندلس که در قاهره، قیروان و مکه نیز شاگردی کرده است^۴ کتاب ارزشمندی به نام *تاریخ علماء الاندلس*^۵ که به قول خودش گسترده‌ترین سرگذشت‌نامه اندلسی تا آن زمان بوده،^۶ تألیف کرده و در آن ۱۶۴۹ عالم مغرب را به اختصار توصیف کرده است. این کتاب از منابع مهم تاریخ فرهنگی - سیاسی اندلس در دوره اسلامی است. دکتر عبدالفتاح، استاد تاریخ و تمدن اسلامی دانشکده ادبیات قاهره در اثر تطبیقی و تحلیلی خود، ویژگی کتاب ابن فرضی را تشریح و در یک پژوهش میدانی آن را تحلیل محتوا کرده است.^۷ ابن فرضی در بحران و شورش بربرها در سال ۴۰۳ کشته شد.

ابوالقاسم خلف بن بشکوال (۴۹۴-۵۷۸ق) ذیلی بر کتاب ابن فرضی نگاشت به نام *الصلة في تاريخ ائمه الاندلس و علمائهم و محدثيهم و فقهائهم و ادبائهم و شرح احوال عالمان اندلسى* را به تعداد ۱۵۷۳ نفر افزایش و تا قرن ششم هجری ادامه داد.^۸ ابن ابیار اندلسی (۵۹۵-۶۵۸ق) با ۵۰۱ شرح حال، کتاب ابن بشکوال را تکمیل کرد.^۹

۱. تحقیق ابراهیم ایباری، چاپ دوم. این کتاب به قلم حمیدرضا شیخی به فارسی برگردان شده است.

2. Rafael Valencia

۳. والنسیا، *تاریخ الفكر الاندلسی*، ص ۲۰۳.

۴. بویکا، *المصادر التاريخية العربية في الاندلس*، ص ۲۲۱.

۵. تحقیق ابراهیم ایباری، چاپ دوم. مقدمان بر این کتاب، نام‌های دیگری چون *تاریخ العلماء والرواة بالأندلس و رجالها، و رياض الاندلس في تاريخ علماء الاندلس* نهاده‌اند.

۶. بویکا، *المصادر التاريخية العربية في الاندلس*، ص ۲۲۲.

۷. فتحی، *التاريخ والمورخون في مصر والأندلس في القرن الرابع الهجري*، ص ۴۹۶-۴۹۵.

۸. تحقیق ابراهیم ایباری، قاهره و بیروت، ۱۴۱۰ق. ابوعبدالله محمد انصاری مراکشی (م ۷۰۳ق) بردو کتاب ابن فرضی و ابن بشکوال، ذیلی نگاشت با نام *الذيل والتكميل لكتاب الموصول والصلة*.

۹. ابن ابیار اندلسی، *التکملة لكتاب الصلة*.

ابو عبدالله محمد بن حارث بن اسد خشنی (...-۳۶۱ق) مولود قیروان از تاریخ نگاران مغربی است که در عنفوان جوانی و ظاهراً به علت مخالفت با دولت فاطمی به اندلس مهاجرت کرده است.^۱ کتاب قضاة قرطبه^۲ تصویری نسبتاً جامع و روشن از اوضاع اجتماعی پایتخت امویان در قرن چهارم هجری است. او ابتدا چند تن از قاضیانی که پیشنهاد قضاوی را در دولت اموی ردد کرده‌اند نام برد و دلایل امتناع آنها را توضیح می‌دهد^۳ و سپس قاضیان عصر والیان و عصر اموی را شرح می‌دهد.^۴ کتاب دیگر او به نام اخبار الفقهاء والمحدثین یا طبقات المحدثین بالاندلس یا تاریخ علماء الاندلس مشتمل بر سرگذشت‌نامه ۵۲۷ تن از فقیهان و محدثان ۲۸ شهر اندلس است.^۵

ابو عبدالله محمد بن ابی نصر خمیدی اندلسی (۴۲۰-۴۸۸ق) جذوه المقتبس فی تاریخ علماء الاندلس^۶ را درباره ۹۷۸ تن از عالمان اندلس، و احمد بن یحیی بن عمیره ضبئی (۵۹۹م-۵۹۹ق) بغیه الملتمس فی تاریخ رجال اهل الاندلس^۷ را درباره ۱۶۰۲ نفر از عالمان با همان سبک ابن‌بشكوال و ابن‌ایبار نگاشته‌اند.

در قرن پنجم در اندلس اسلامی شخصیتی درخشان و پراثر در حوزه تاریخ نگاری به چشم می‌آید یعنی قاضی صاعد اندلسی (۴۶۲-۴۲۰ق) که بیشتر به التعريف بطبقات الامم^۸ شناخته شده است. وی آثار ارزشمند مفقودی در حوزه «تاریخ»، «ملل و نحل» و «ترجم» دارد: یکی جوامع أخبار الأمم من العرب والعجم که ابن حیان در المقتبس از او بهره گرفته و دیگری مقالات اهل الملل والنحل و سه دیگر تاریخ اندلس و اخبار الحکماء^۹ است.

ابومروان ابن حیان قرطبي (۳۷۷-۴۶۹ق) فرزند خلف بن حیان از وزیران عصر عامری در کتاب معروف المقتبس فی اخبار اهل الاندلس^{۱۰} اوضاع دهه‌های نخستین عصر ملوک الطوایف

۱. ابن فرضی، تاریخ علماء الاندلس، ج ۲، ص ۸۰۲ و ۸۰۳.

۲. تحقیق ابراهیم ایباری، قاهره و بیروت، ۱۴۱۰ق.

۳. همان، ص ۳۸-۲۷.

۴. همان، ص ۳۸ به بعد.

۵. فتحی، التاریخ والمورخون فی مصر والاندلس فی القرن الرابع الهجری، ص ۴۱۲.

۶. تحقیق ابراهیم ایباری، قاهره و بیروت، ۱۴۱۰ق.

۷. این کتاب نیز با مشخصات مذکور چاپ شده است.

۸. تصحیح غلامرضا جمشیدنژاد اول، تهران: دفتر نشر میراث مکتب و انتشارات هجرت، ۱۳۷۶. این کتاب توسط مصحح به فارسی برگردان و از سوی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی چاپ شده است.

۹. همان، ص ۴۷-۵۷.

۱۰. تحقیق محمود علی مکی، قاهره، ۱۳۹۰ق.

را با نگاهی نقادانه ترسیم می‌کند. ابن حیان، خود وزیر دولت بنی جهور از ملوک الطوایف بود. کتاب المقتبس در بردارنده تاریخ اندلس از فتح اسلامی تا زمان ابن حیان و به تعبیر دکتر مکی دستاورد دوران جوانی اوست.^۱ کتاب تاریخی دیگر او که ظاهراً در دوران پیری نوشته به نام المتین در شصت مجلد بوده است^۲ و آن‌گونه که مورخ معاصرش ابن سام شترینی نوشته، تاریخ دوران حیات ابن حیان است.^۳

ابن حیان در المقتبس تلفیقی از گاهشماری (کرونولوژی)، سرگذشت‌نامه، تاریخ اجتماعی، تاریخ سیاسی و تاریخ فرهنگی را ارائه می‌دهد. جامع نگری او این اثر را ممتاز کرده است.^۴ وی کتاب دیگری به نام *البطشه الکبیری*^۵ نوشته و در آن سیر سقوط دولت مخدوم خود (بنو جهور) را به دست بنو عباد، حاکمان اشبيلیه توصیف می‌کند.

احمد بن عمر بن عذری (۴۷۸-۳۹۳ق) مورخ و جغرافی‌دان دیگر اندلس آثار متعددی نوشته است^۶ و فقط بخشی از کتاب معروف او *توصیع الاخبار و تنویع الآثار والبستان فی غرائب البلدان والمسالک الى جميع الممالک* بر جای مانده است.^۷ توصیف کوره‌های اندلس و شرح جغرافیای تاریخی این سرزمین از مزایای کتاب یاد شده است. دکتر عبدالواحد ذنون طه معتقد است، اولین مورخی که به متن معاهده صلح تدمیر با عبدالعزیز بن موسی بن نصیر اشاره کرده، اوست.^۸ از مزایای دیگر *توصیع الاخبار* آکاهی منحصر به فرد او درباره جنگ‌های منصور عامری، وزیر و حاکم دولت امویان اندلس با مسیحیان اسپانیا، ذکر واقعی به دو تاریخ قمری و میلادی است.^۹ آنچه را باید در تاریخ‌نگاری عذری توجه کرد گرایش اموی و باور او به حقانیت خلافت امویان اندلس است.^{۱۰}

۱. همان، ص ۵۷. البته آنچه به جای مانده فقط بخشی از المقتبس است.

۲. همان، ص ۵۵.

۴. دکتر محمود علی مکی، مصحح و محقق کتاب، در یک مقدمه ۱۲۰ صفحه‌ای، تاریخ‌نگاری و اندیشه سیاسی ابن حیان را تشریح می‌کند.

۵. عنان، تاریخ دولت اسلامی در اندلس، ج ۲، ص ۲۴.

۶. افتضاض ابکار اوائل الاخبار و اعلام النبوه از آثار اوست، اما مفقود است.

۷. بخش‌های بر جای مانده با عنوان نصوص عن الاندلس من کتاب *توصیع الاخبار و تنویع الآثار*، به همت عبدالعزیز اهوانی در سال ۱۹۶۵ در مادرید چاپ شده است.

۸. ذنون طه، دراسات فی التاریخ الاندلس، ص ۱۶۴ و ۱۶۵.

۱۰. همان، ص ۱۷۶.

ابویکر احمد بن سعید بن محمد بن عبدالله بن ابی الفیاض معروف به ابی الفیاض (۴۵۹-...ق) کتابی به نام *العبر* بر جای گذاشته که بخشی از آن به سبک مورخان قدیم اندلس درباره جغرافیای این سرزمین و بخشی درباره تاریخ قدیم آنجاست. فتح اسلامی اندلس تا عصر نویسنده، محتوای اصلی این کتاب ارزشمند تاریخی است که جز صفحاتی چند از آن در کتابخانه تاریخی اسکوریل بر جای نمانده است.^۱

ابن حزم اندلسی (۴۵۶-۳۸۴ق) را که بیشتر با کتاب *فرقہ شناسی اش*، یعنی *الفصل في الملل والاهواء والنحل* شناخته شده می‌توان در زمرة مورخان مغرب اسلامی قلمداد کرد. کتاب *جمهرة انساب العرب*^۲ او از متون اصلی درباره انساب عرب شمال آفریقا و اندلس است. او دو رساله مختصر تاریخی دیگر درباره اندلس دارد: یکی *نقط العروس*^۳ و دیگری رساله‌ی فضل الاندلس و ذکر رجالها!^۴

ابن بسّام شترینی (۵۴۲م) سرگذشت‌نامه *الذخیرة فی محسن اهل الجزیره*^۵ را که دائرة‌المعارفی تاریخی و ادبی است در قرطبه تألیف کرد. صاحب این سرگذشت‌نامه با تأثیر کسانی همچون ابن حیان اطلاعات تاریخی مفیدی به دست می‌دهد. ابن بسّام همان‌گونه که در مقدمه می‌گوید این کتاب را درباره اخبار بزرگان، نویسنده‌گان و شاعران جزیره اندلس در چهار بخش جغرافیایی، به این ترتیب، تدوین کرده است: ۱. قرطبه و حوزه مرکزی اندلس، ۲. بخش غربی اندلس با مرکزیت اشبيلیه، ۳. بخش شرقی با مرکزیت ثغر اعلی، ۴. واردشدگان به اندلس، اعم از مغربی‌ها و مشرقی‌ها.

ابو عامر محمد بن احمد بن عامر بلوی، معروف به ابوعامر سالمی (۵۵۹-...ق) ادیب، لغوی و مورخ اندلسی قرن ششم، تاریخ درر القلائد و غرر الفوائد فی اخبار الاندلس و امرائها و طبقات علمائها و شعرائها را همچون سبک ابن حیان و احمد بن محمد رازی (آمیختگی جغرافیا و تاریخ) نگاشته است.^۶ همین مورخ، کتابی دیگر به نام *الفتنة الكائنة على الل茅ونيين بالأندلس*

۱. ذنوں طه این چند صفحه را تحقیق و منتشر کرده است (ر.ک: دراسات فی التاریخ الاندلس، ص ۱۳۹-۱۵۴).

۲. تحقیق عبدالسلام هارون، قاهره: دارالمعارف، ۱۹۶۲م.

۳. ر.ک: ابن حزم اندلسی، رسائل ابن حزم الاندلسی، ص ۴۳-۱۱۶.

۴. همان، ص ۱۷۱-۱۸۸.

۵. تحقیق احسان عباس، بیروت: دارالثقافه، ۱۹۷۹م. دکتر محمد رضوان الدایه، استاد ادب اندلس در دانشگاه دمشق گزیده‌ای از آن را در *مجموعه المختار من التراث العربي* چاپ کرده است.

۶. ذنوں طه، دراسات فی التاریخ الاندلسی، ص ۲۳۳-۲۳۷.

سنه اربعين و مايلها قبلها و بعدها نوشته است.^۱ هموطن غرناطي او ابویکر یحيى بن محمد بن یوسف انصاری معروف به ابن صیرفى (۵۷۰ق...) کتابی درباره دولت مرابطین به نام الانوار الجلية في اخبارالدوله المراطبية تأليف کرده که بنا به گزارش حاجی خلیفه در دسترس نیست.^۲ اما ابن عذاری از آن نقل می‌کند:^۳

لسانالدین ابن خطیب غرناطی (۷۱۳ق) ادیب، شاعر، وزیر و مورخ چند اثر تاریخی مربوط به تاریخ سیاسی - اجتماعی عصر خود در مغرب اسلامی نوشته است. معروف‌ترین اثر تاریخی او الاھاطة في اخبار غرناطه^۴ درباره سرگذشت رجال مغرب و نیز شاهان آنجا و در لابهای آن، حوادث عصر نویسنده نوشته شده است. همچنین اطلاعات ارزشمندی درباره جغرافیای اندلس ارائه می‌دهد. اللهمۃ البدریۃ فی الدوّلۃ النصیریۃ^۵ درباره دولت بنواحمر یا بنونصر آخرین دولت اسلامی در اندلس، معیار الاختیار فی ذکر المعاهد والدیار^۶ با نثری مسجع درباره جغرافیای تاریخی غرناطه تأليف شده است. ابن خطیب خاطرات شخصی خود را در فاصله سال‌های ۷۶۳-۷۶۱ق که در مغرب‌الاقصی در تبعید و عزلت بود در کتابی ارزشمند به نام نفاضة‌الجراب فی عالمة‌الاغتراب^۷ تدوین کرده است. کتاب دیگر او اعمال‌الاعلام فیم بیع قبل الاحتمام من ملوک‌الاسلامی^۸ تاریخ اندلس و شمال آفریقاست.

اعمال‌الاعلام در سه بخش تدوین شده است. بخش نخست که به تاریخ شرق اسلام اختصاص دارد و در آن سیره پیامبر، خلفای راشدین، امویان، عباسیان، آل‌بویه و دیگر دولت‌های مستقل حمدانیان، طولونیان، اخشیدیان، فاطمیان و ممالیک به اختصار مورد بحث

۱. همان، ص ۲۳۶. هر دو کتاب اینک مفقود است.

۲. مصطفی بن عبدالله چلبی (حاجی خلیفه)، کشف الظنون عن اسمی الكتب والفنون، ج ۱، ص ۲۸۹. ظاهرًا یونس بویگنس، خاورشناس اسپانیولی نسخه‌ای از آن را در تونس سراغ دارد (ر.ک: ذنون طه، ابن عذاری المراكشی شیخ مورخی المغرب العربي، ص ۱۱۶).

۳. ذنون طه، دراسات فی التاریخ الاندلسی، ص ۲۳۹.

۴. تحقیق محمد عبدالله عثمان، ج ۴، قاهره: مکتبة الخانجي، ۱۴۲۱ق.

۵. تحقیق لجنه احیاء التراث العربی دارالآفاق الجدیده، ج ۳، بیروت: دارالآفاق الجدیده، ۱۴۰۰ق.

۶. تحقیق احمد مختار عبادی، اسکندریه، ۱۹۵۸م.

۷. بخشی از آن، که در دسترس مانده توسط احمد مختار عبادی چاپ شده است (قاهره: دارالکتاب العربي).

۸. جلد دوم آن توسط لوی پرونسل با عنوان تاریخ اسپانیا الاسلامیه (بیروت: دارالمکشوف، ۱۹۵۶م) و جلد سوم آن درباره تاریخ شمال آفریقا توسط احمد مختار عبادی و ابراهیم کتانی به نام تاریخ المغرب العربي فی العصر الوسيط (دارالبیضاء، ۱۹۴۶م) چاپ شده است.

قرار گرفته است. بخش دوم که مهم‌ترین بخش کتاب است، به تاریخ اندلس تا قرن هشتم هجری اختصاص یافته و سرانجام بخش سوم مشتمل بر تاریخ شمال آفریقا از آغاز تا روی کار آمدن موحدون است.

ابن خطیب تاریخ اندلس را با اشاره‌ای گذرا به جغرافیای اندلس آغاز کرده و به اجمال فهرستی از مراحل فتوح و اسامی والیان را براساس توالی تاریخی ذکر کرده است. بررسی مختصر دولت امویان اندلس براساس ترتیب تاریخی روی کار آمدن هر یک از امرا و حوادث مهمی که در آن دوره رخ داده، و نیز به بنی عامر، بنی حمود، بنی جهور، بنی عباد، بنی هود، بنی ذوالنون، بنی آفطس، بنی صُمَادْح و دیگر ملوک الطوایفی که از نظر اهمیت کمتر مورد توجه‌اند پرداخته است. مرابطون و موحدون و بنی نصر و سرانجام فصل جامعی در باب پادشاهان مسیحی اندلس پایان‌بخش جلد دوم است. مؤلف در بخش سوم کتاب، تاریخ مغرب را از آغاز فتوحات اسلامی تا روی کار آمدن موحدون بررسی کرده و از اغالبه، بنی زیری و بنی حماد و نیز از تاریخ سیسیل از زمان فتح تا سلطنه نورماندی‌ها سخن گفته و با افزودن شماری از احوال دولت‌های مغرب اقصی چون بنی مدرار، بنی خزرون، بنی یفرن، بنی تجين، بنی توالی، برغواطه، ادريسیان و سرانجام مرابطون و چگونگی شکل‌گیری دولت موحدون مطالب این بخش را به پایان برده است.

المرقبة العليا فيمن يستحق القضاء والفتيا معروف به تاریخ قضاة الاندلس^۱ نوشته ابوالحسن بن عبدالله بن حسن نباہی مالقی (۷۱۳ق.-...) درباره قاضیان مغرب که عموم آنها اندلسی‌اند نوشته شده است.^۲ از مورخان این عصر یکی هم ابوالولید اسماعیل بن یوسف نصیری معروف به ابن احمر (...-۸۰۷ق) از خاندان بنونصر در غربانه است. از کتاب‌های تاریخی او آنچه در دست است یکی روضة النسرين فی دولة بنی مرين^۳ است. کتاب از دو بخش مرینیان و عبدالوادیان تشکیل شده است که هر یک از آنها مقدمه‌ای جداگانه دارد. ابن احمر در اینجا نیز تنها از اهمیت تاریخ برای فهم اخبار پیشینیان سخن گفته است. وی پس از اشاره‌ای گذرا به نسبت بنومرین و

۱. تحقيق لجيه التراث العربي، بيروت: دارالآفاق الجديد، ۱۴۰۰ق.

۲. البهه چند مورد درباره علماء و قضات مشرق، مائد ابویکر باقلانی نوشته است.

۳. تحقيق عبد الوهاب ابن منصور، رباط: المطبعه الملكية، ۱۴۲۳ق. مورخ در ادامه، تاریخ مختصر بنوزیان یا بنو عبد الواد را نوشته است. با توجه به عنوان کتاب به نظر می‌رسد تاریخ بنوزیان باید مستقل باشد، همچنان که هانی سلامه آن را مستقلاً با عنوان تاریخ الدولة الزیانیة بتلمیزان چاپ کرده است (بورسید، مکتبة الثقافة الدينیة، ۱۴۲۱ق).

چگونگی پراکنده شدن قبایل زнатه در مغرب، هر یک از امرا و حکام مرینی را به ترتیب تاریخی ذکر و نام، لقب، اسمی فرزندان تاریخ تولید و درگذشت، تاریخ آغاز و انجام حکومت، صفات ظاهری و پاره‌ای از ویژگی‌های اخلاقی، اسمی وزرا، حاجبان، نویسنده‌گان و قاضیان ذیل نام آنان فهرست کرده است؛ تأکید بر اختصار و التزام به فهرست موضوعات فوق به گونه‌ای است که در هیچ جای کتاب از حوادث سیاسی - اجتماعی مرینیان سخن نرفته است؛ از این‌رو بیش از آنکه کتاب به جهت مطالب مختلف تاریخی اهمیت داشته باشد، به عنوان مرجعی حاوی ترتیب تاریخی امرای مرینی و اسمای دولتمردان آنهاست، مفید است.

ابن‌احمر در بخش دوم کتاب، تاریخ بنی عبدالواد در تلمسان را مورد بحث قرار داده و در مقدمه استدلال کرده که برای اثبات فضل و مکارم مرینیان، شایسته است همتایان آنها در تلمسان نیز بررسی شوند تا از این رهگذر بتوان به بزرگی گروه نخست پی برد. ابن‌احمر این بخش را براساس توالی تاریخی امرای عبدالوادی تنظیم و برخلاف بخش نخست تنها به نام، زمان مرگ و حکومت و پاره‌ای ویژگی‌های آنها بسته کرده و از ذکر کتاب، وزرا و حجّاب و... امتناع ورزیده است. افزون بر این، در این بخش برخی از موضوعات سیاسی چون گزارش شکست در جنگ‌ها که می‌توان از آن به عنوان ابزاری در جهت تحقیر بنی عبدالواد به کار گرفت، بازتاب نسبتاً وسیعی یافته است. افراط در ذم و تقيیح بنی عبدالواد مؤلف را به متهم کردن آنان به بخل، ترس، لثامت و... واداشته است. غالب مطالب این بخش از نظر اسناد تاریخی غیر قابل اعتماد است؛ شاید تنها فایده تاریخی آن این باشد که منازعات دو دولت مقتدر زнатه مغرب در قرن هشتم هجری را انعکاس می‌دهد. *التفہمة النسرينیة واللمحة المرینینیة*^۱ درباره همین دولت اثر دیگری از اوست. کتاب ارجوزه‌ای مختصر است در تاریخ مرینیان و متشكل از مقدمه‌ای به نثر و مدحی منظوم و نسبتاً کوتاه در ستایش ممدوح سورخ، ابوالعباس احمد مرینی و سپس یکصد و دوازده بیت شعر و شرح منتشر آن.

مقدمه کتاب طبق معمول از فضل «اهل تاریخ» و فواید آشنایی با اخبار پیشینیان سخن دارد و سرشار از سجع و تکلف و صناعات ادبی است. از نظر موضوعی مؤلف در این صد و دوازده بیت که از پنج صفحه تجاوز نمی‌کند، یک دوره تاریخ مرینیان را از آغاز ورود زнатه به مغرب تا سال ۷۸۹ق یعنی زمانی که سلطان ابوالعباس احمد مرینی برای بار دوم در فاس بر تخت نشسته بود گنجانده است.

۱. تحقیق عدنان محمد آل طعمه، دمشق: دار سعد الدین، ۱۹۹۲م.

ابن احمر در این اشعار تنها به نام و سیرت سلطان پرداخته و اگر نبود شرحی را که خود بر آن نوشته کتاب را فاقد ارزش تاریخی می‌دانستیم؛ از این‌رو شرح نویسنده بر اشعار به مراتب از اصل اشعار که اطلاعات تاریخی آن اندک است، مهم‌تر می‌نماید.

یکی از موارد مهم در تاریخ پژوهی مغرب اسلامی، واپسین دوران حاکمیت مسلمانان در اندلس و روزهای پایانی عصر اسلامی در آن سرزمین است. از آثار قلمی آن روزگار، کتابی به دست ما نرسیده است جز تاریخ مختصراً از یکی از مسلمانان ناشناخته که در دوران تعصبات مسیحی در اسپانیا و سختگیری مسیحیان علیه مسلمانان در سده دهم هجری به سر می‌برده، نام این کتاب *نبذة العصر* فی اخبار ملوک بنی نصر^۱ است. محمد عبدالله عنان معتقد است این کتاب تنها روایت اسلامی از تاریخ سقوط غرناطه (اندلس) و مسیحی کردن اجباری مسلمانان توسط دولت اسپانیای مسیحی در آن دیار است.^۲ از جمله منابع مهم تاریخی این عصر می‌توان به سفرنامه لشی آفریقایی اشاره کرد. حسن بن محمد وزان فاسی معروف به لشی آفریقایی از موالید مسلمان غرناطه در قرن دهم هجری است که خانواده‌اش پس از سقوط غرناطه به فاس مهاجرت کرده و در آنجا وطن اختیار کردند. از بد حادثه پس از مدتی به اجبار به دربار پاپ لویی دهم درآمد و به‌اکراه و اجبار مسیحی و نامش به جیوانی لشودی مدیچی یا یوحنا غرناطی تبدیل شد. ابن وزان گویا همیشه در قلب و باور خود مسلمان ماند و در اواخر عمر که به تونس بازگشت رسماً و مجدداً آین گذشته خود را اختیار کرد. سفرنامه او در چهار بخش نوشته شده است: کتاب اول، با نام غرناطه، شرح اوضاع این سرزمین در واپسین روزگار اسلام است. کتاب فاس، بخش دوم سفرنامه و تاریخ انحطاط سلاطین فاس، و دو بخش دیگر به نام‌های قاهره، درباره تاریخ فروپاشی ممالیک مصر و روم و سنتیز شاهان مسیحی با پاپ است.^۳

از این پس که مسلمانان اندلس مجبور به مهاجرت یا زندگی مخفیانه در اندلس و یا بازگشت اجباری از اسلام بودند کتاب‌های فقهی و حقوقی حوزه مغرب اسلامی بعض‌اً اهمیت پیدا می‌کند. یکی از مهم‌ترین آثار فقهی و حقوقی این دوره که در شناخت تاریخ اجتماعی

۱. تحقیق محمد رضوان الدایه، چ، ۲، دمشق (دارالفکر) و بیروت (دارالفکر المعاصر)، ۱۴۲۳ق.

۲. محمد عبدالله عنان، *نهاية الاندلس و تاريخ العرب المنصرين*، ص ۱۹۵ و ۱۹۶.

۳. این سفرنامه به همت امین معلوم، تحقیق و توسط قدرت‌الله مهندی ترجمه شده است (تهران: انتشارات سروش، ۱۳۶۸).

مغرب اسلامی مؤثر است، کتاب المعيار المغرب والجامع عن فتاوى علماء إفريقيا والأندلس والمغرب^۱ تأليف احمد بن يحيى ونشریسی (۸۳۴-۹۱۴ق) فقیه الجزایری است. وضعیت «مُدَجَّنون»^۲ یا مسلمانانی که پس از سقوط اندلس در اسپانیا ماندند و بهاجبار غسل تعمید داده شدند از محتویات این دائرة المعارف فقهی است. اطلاعات مغید سیاسی درباره بعضی از افراد خاندان اموی از رهگذر موقوفات، کسانی که همسر مسیحی برگزیدند، وضعیت بازار، مظاهر زندگی اجتماعی، تعلیم و تربیت در عصر بنواحمر (بنونصر) و... از دیگر مزایای این اثر فقهی است.^۳ از سوی دیگر، اقامت مسلمانان در اندلس اشغال شده موجب صدور بعضی احکام فقهی است. استفتا از فقهاء در مورد باقی ماندن در اسپانیا یا مهاجرت به سایر سرزمین‌های اسلامی و نظر فقیهان قابل توجه است.^۴

تاریخ‌نگاران شمال آفریقا

ابن صغیر تاریخ‌نگار اختصاصی دولت اباضی‌مذهب بنورستم از مورخان قرن سوم در مغرب اسلامی است. او که به تصریح خودش در تاریخ الائمه الرستمین^۵ معاصر ابویقطان بن افلح بن عبدالوهاب از حاکمان دولت بنورستم در مغرب‌الاوست بوده،^۶ یکی از مورخان شمال آفریقاست که تاریخ بنورستم و سیمای اجتماعی این دولت اباضی‌مذهب را با ایجاز و اختصار، اما واقع‌بینانه به تصویر می‌کشد. تاریخ بنی‌رستم تنها مرجع تاریخی درباره بنورستم، و یکی از منابع اساسی در مورد خوارج اباضیه است.

۱. تحقیق گروهی از علماء به سرپرستی محمد حجی، بیروت: دارالمغرب الاسلامی، ۱۴۰۱ق.

۲. به زبان اسپانیولی به آنها مودیخار می‌گفته‌ند و پس از قرن دهم هجری / شانزده میلادی به آنها موریسک‌ها گفته شد.

۳. ذنون طه، در این باره تحقیق ارزشمندی با عنوان «اهمیه الكتب الفقهیه فى دراسه تاریخ الاندلس» انجام داده است (ر.ک: ذنون طه، دراسات فى حضارة الاندلس و تاریخها، ص ۸۹-۱۲۷).

۴. رساله‌ای در این موضوع به نام اسنی المتأجر فی بیان احکام من اغلب علی وطنه النصاری و لم یهاجر وجود دارد که پاسخ فقهی و تشریحی در این باره است. این رساله توسط حسین مؤنس و براساس نسخه منحصر آن در کتابخانه اسکوریال چاپ شده است (مادرید: صحیفه معهد الدراسات الاسلامیه، ۱۹۵۷، ج ۵). متن فتوای در کتاب ذیل آمده است: محمد عبدالله عنان، تاریخ دولت اسلامی در اندلس، ج ۵، ص ۴۶ و ۴۷.

۵. تحقیق محمد ناصر و ابراهیم بحاز، بیروت: دارالمغرب الاسلامی، ۱۴۰۶ق. این کتاب با نام تاریخ بنی‌رستم و با قلم حجت‌الله جودکی ترجمه شده است (تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۵).

۶. ابن صغیر، تاریخ بنی‌رستم، ص ۱۰۰.

قرن چهارم هجری آغاز دوره جدید و رونق تاریخ‌نگاری مغرب اسلامی است. شکل‌گیری دولت نوینیاد فاطمی در افریقیه که پایان دوره ستر و پنهان‌کاری جریان قدرتمند اسماعیلی بود باعث شد تا مورخانی چون قاضی نعمان تمیمی (...-۳۶۳ق) با نوشتن آثاری مثل *المجالس والمسایرات*^۱ و *افتتاح الدعوه و ابتداء الدولة*^۲ بخشی از تاریخ دولت اسماعیلی مخالف دو خلافت بغداد و قرطبه را در دسترس قرار دهنده و از حضور تشیع در صفحات مغرب اسلامی سخن بگویند. درباره تاریخ همین دولت در شمال آفریقا باید از سیرة *جعفر الحاجب*^۳ اثر *جعفر بن منصور الیمن* داعی اسماعیلی که همراه عبیدالله المهدی مؤسس دولت فاطمی به مغرب رفته و در سجل‌ماهه با او زندانی خوارج بنومدرار بوده است نام برد. ابوالعرب محمد بن احمد بن تمیم قیروانی (...-۳۳۳ق) عالم، تاریخ‌نگار و تراجم‌نویس نسبتاً متعصب شمال آفریقا و هم‌عصر آغاز دولت فاطمیان، تاریخ مفصلی در هفده جلد نگاشته که در دسترس نیست. اما سرگذشت‌نامه معروف او به نام طبقات علماء افریقیه و تونس^۴ منبع ارزشمندی در مختصات مذهبی مغرب‌الادنی یا افریقیه در قرن سوم و چهارم هجری است.

ابوسحاق ابراهیم بن قاسم معروف به رقیق قیروانی از مورخان قرن چهارم شمال آفریقاست. کتاب او موسوم به *تاریخ افریقیه والمغرب*^۵ تاریخ شمال آفریقا از فتح اسلامی تا حیات نویسنده بوده،^۶ ولی آنچه اینک در دسترس است از استانداری عقبه بن نافع در سال ۶۶۲ق تا اوایل عصر بنوغلب را بیان می‌کند.

ابوعبدالله محمد بن یوسف قیروانی معروف به وراق (۲۹۲-۳۶۳ق) هموطن دیگر رقیق در عصر حکم دوم به اندلس مهاجرت کرد و مورخ دربار قرطبه شد. کتاب مهم او در مسائل و

۱. تحقیق حبیب فقهی، ابراهیم شبوح و محمد یعلوی، بیروت: دارالمتظر، ۱۹۹۶م. این کتاب با دو نام «المجالس والمسایرات فی تاریخ الاسلامیه و عقائدهم» و «المجالس والمسایرات والموافقات والتوقیعات» در گنجینه کتب خانه اسلامی ثبت شده است. مجدوی معتقد است نام دوم صحیح است (ر.ک: اسماعیل اجینی مجداوی، *فهرسة الكتب والرسائل*، ص۵۲).

۲. چاپ دوم، بیروت: دارالمتظر، ۱۴۱۶ق.
۳. این سیره توسط ایوانف، اسماعیلی‌شناس روسی تحقیق و در مجله *کلیة الآداب*، جامعه القاهره، ۱۹۳۹م چاپ شده است.

۴. تحقیق علی شابی و نعیم حسن یافی، تونس: الدار التونسية للنشر، ۱۹۸۵م.

۵. تحقیق عبدالله علی زیدان و عزالدین عمر موسی، بیروت: دارالغرب الاسلامی، ۱۹۹۰م.

۶. البته رفیق قیروانی هنگام سخن از استانداری موسی بن نصیر در شمال آفریقا به مناسبت، حدود پنجاه سطر از *فتح طلیطله* (در اندلس) می‌نویسد (ر.ک: همان، ص۴۶-۵۱).

ممالک اینک در دست نیست، ولی ابو عبید بکری (۴۸۷-...ق) در کتاب المغارب فی ذکر بلاد افریقیة والمغارب و مقدسی در أحسن التقاسیم از آن بسیار نقل کرده‌اند. ابن عذاری مراکشی که از آن سخن خواهیم گفت در کتابش البیان المغرب از آن بهره گرفته است. ابن حیان اندلسی، وراق را (الحافظ لاخبار المغرب) توصیف می‌کند.^۱ او آثار دیگری در تاریخ المغارب اسلامی و انساب بربر داشته که همگی مفقودند.^۲

ابوزکریا یحیی بن ابی بکر ورجلانی (۴۷۱-...ق) از تاریخ‌نگاران اباضی‌مذهب شمال آفریقاست که کتاب السیرة و اخبار الائمه^۳ او (درباره عصر بنورستم) از منابع مهم تاریخ اجتماعی این خطه است. چگونگی ورود مذهب اباضی به مغرب اسلامی و سیر دگرگونی‌های آن، تاریخ دولت بنورستم، جدال بنورستم با فاطمیان و نیز سرگذشت‌نامه بزرگان اباضیه در دو قرن چهارم و پنجم از مطالب مهم این متن است.^۴

این مورخ خارجی مسلک اباضی، تعصّب شدیدی به مذهب خود دارد. و از اباضیانی که بعد از سقوط دولت بنورستم به فاطمیان پیوستند سخن می‌گوید و از آنها به عنوان مسوّده (=سیاه رویان) یاد می‌کند.

کتاب الاستبصار فی عجائب الامصار^۵ از مورخی گمنام در قرن ششم در مراکش است. نویسنده کتاب در سه بخش به ترتیب از اماکن مقدس مصر، شمال آفریقا و سودان سخن می‌گوید. معاصر او عبدالملک بن احمد باجی، معروف به ابن صاحب الصلاه (۵۹۴-...ق) کتاب المن بالا مامه^۶ را درباره تاریخ موحدین در مغرب اسلامی (شمال آفریقا و اندلس) نوشته است. این کتاب که از مهم‌ترین منابع عصر موحدین است در سه بخش (سفر) نوشته شده، ولی اینک فقط بخش دوم آن در دسترس است. ارتباط نویسنده با دربار موحدین مغرب باعث شده تا اطلاعات بدیع و ارزشمندی درباره نظام دیوانی دولت و اوضاع سیاسی - اجتماعی آن عصر به دست دهد. دکتر عبدالهادی التازی، ادیب و مورخ شهیر معاصر شمال آفریقا که این

۱. فرطی، المقتبس من انباء اهل الاندلس، ص ۳۳.

۲. بویکا، المصادر التاريخية العربية في الاندلس، ص ۱۰۹.

۳. تحقيق عبدالرحمن ایوب، تونس: الدر التونسية للنشر، ۱۴۰۵ق.

۴. تادیوس لویسکی، المورخون الاباضيون فی افريقا الشماليه، ص ۱۳۶.

۵. تحقيق مسعد زغلول عبدالحميد، اسكندرية، ۱۹۵۸م.

۶. تحقيق عبدالهادی التازی، چ ۳، بیروت: دارالغر布 الاسلامی، ۱۹۸۷م. نام کامل کتاب، تاریخ المن بالا مامه علی المستضعفین باز جعلهم الله ائمه و جعلهم الوارثین و ظهور المهدی بالموحدین است.

کتاب را پژوهش و چاپ کرده معتقد است دقت، امانتداری، تکیه بر مشاهدات و نقل از روایان موثق از ویژگی‌های این کتاب است.^۱ همچنین آنچه در این کتاب اهمیت دارد نقش و جایگاه قبایل عربی در تمدن موحدین است. در بخش برجای‌مانده از کتاب، وقایع مغرب اسلامی در عصر موحدین از سال ۵۵۸-۵۶۵ق براساس سال‌نگاری و حولیات ثبت شده است. همین مورخ — آن‌طور که در متن *المن بالامامه* اشاره کرده — کتابی دیگر به نام *ثورة المريدين* دارد که مفقود شده است.

ابویکر بن علی صنهاجی معروف به بیدق (قرن ۶ هجری) یکی از پیروان ابن‌تومرت مغربی رهبر معنوی و دینی موحدین، کتاب *اخبار المهدی* ابن‌تومرت و ابتداء دوله المودحیه^۲ را که یکی از مهم‌ترین منابع عصر موحدین است در قرن ششم نوشته است. قسمت برجای‌مانده از این کتاب، با ورود ابن‌تومرت به تونس در سال ۵۱۰ق شروع و به سال ۵۵۸ق پایان حکومت عبدالمؤمن ختم می‌شود.

در قرن هفتم که مقارن با عصر موحدین است شاهد رشد تاریخ‌نگاری در مغرب اسلامی هستیم. نسب‌نگاری، بهویژه نسب‌نگاری موحدین و شرح احوال‌نگاری یا سرگذشت‌نامه و تاریخ اختصاصی دولت‌ها در این قرن مورد اهتمام بوده است، مانند *تحفة الحاری المطرب فی رفع نسب شرفاء المغرب* تأليف ابوالقاسم زیانی، *الانساب فی معرفة الاصحاب اثر نسبت‌شناس* و مورخی مجھول که بخشی از آن را لوی پرونosal خاورشناس فرانسوی در کتابخانه اسکوریال پیدا کرده و در سال ۱۹۲۸م ضمن کتاب *اخبار المهدی* ابن‌تومرت اثر البیدق چاپ کرده است.^۳ ذیل الصله تأليف ابوالعباس احمد بن یوسف بن فرتوت سلمی فاس، اختیار المدرک نوشته ابوعبدالله حماد سبتي، المستفاد فی ذکر الصالحین والعباد بمدینه فاس و مایلیها من البلاد معروف به تاریخ فاس اثر ابوعبدالله تمیمی از آثار این دوره است.^۴ از آثار تاریخی دیگر قرن هفتم در مغرب اسلامی، کتاب *طبقات المشايخ* یا *طبقات الاباضیه*^۵ تأليف ابوالعباس احمد بن سعید بن

۱. همان، ص ۳۳-۳۵.

۲. تحقیق عبد‌الوهاب بن منصور، ریاط: دارالمنصور للطباعة والوراقه، ۱۹۷۱م.

۳. منونی، *حضارة الموحدين*، ص ۴۸. البته مورخ معاصر مغربی این گزینه را به طور مستقل با نام المقتبس من کتاب الانساب فی معرفة الاصحاب چاپ کرده است (ریاط: دارالمنصور للطباعة والوراقه، ۱۹۷۱م). بعضی معتقدند این کتاب از همان بیدق است، نه مورخ مجھول مورد بحث.

۴. همان، ص ۴۷.

۵. تحقیق ابراهیم طلای، ۲، الجزایر: مطبعة البعث، ۱۹۷۴م.

سلیمان درجینی شاعر و مورخ اباضی مذهب این عصر است. این کتاب مهم تاریخی مشتمل بر دو بخش است: بخش اول که درباره ورود اباضیان به شمال آفریقا، تأسیس دولت بنورستم، سیره سیاسی امامان بنورستم و بعضی عالمان این فرقه در مغرب است برگرفته و درواقع بازنویسی کتاب ابوزکریا و رجلانی (السیره و اخبار الانئمه) است. اما بخش دوم که سرگذشت‌نامه و سیره عالمان اباضی مذهب در مشرق و مغرب اسلامی در دوازده گروه (طبقه) می‌باشد نوشته شخص درجینی است.^۱

کتاب اخبار ملوک بنی عبید و سیرتہم^۲ نوشته ابوعبدالله محمد بن علی بن حماد صنهاجی (۵۴۸-۶۲۶ق) یکی از بربرهای قبیله صنهاجه و از مورخان عصر بنو حماد است. این کتاب مختصر — همان‌طور که از نامش پیداست — تاریخ فاطمیان و سیره خلفای آن دولت در شمال افریقیه و مصر می‌باشد. او نسبت به فاطمیان تعصب ندارد و ضمن صحیح دانستن نسب علوی ایشان، بی طرفانه تاریخ آنها را مرور می‌کند. آن‌طور که محقق عربی این کتاب نوشته، او کتاب دیگری به نام النبذة المحتاجة فی اخبار صنهاجة بافریقیة و بجایه داشته که در دسترس نیست، گرچه ابن خلدون در تاریخ خود، هنگام سخن گفتن از بجایه از آن نقل می‌کند.^۳ عبدالواحد مراکشی (۵۸۱-۶۴۷ق) در کتاب المعجب فی تلخیص اخبار المغرب^۴ تاریخ سیاسی - اجتماعی و فرهنگی دولت موحدین را در اندلس با اشاره به تاریخ اندلس اسلامی قبل از موحدین تا سال ۵۶۱ق با نگارشی ساده توصیف می‌کند.

نظم الجمان و واضح البيان فيما سلف من اخبار الزمان^۵ نوشته تاریخ‌نگار ببر ابوعلی حسن بن علی بن محمد بن عبد‌الملک کاتمی معروف به ابن قطان، تاریخ و جغرافیای مفصلی

۱. در قرن هشتم یکی از مورخان اباضی به نام ابوالقاسم برادی ذیلی بر آن نوشته به نام الجواهر المنتقة فی اتمام ما افل به کتاب الطبقات، و سالم بن عبدالله بارونی آن را با سبک جدید و به نام الازهار الرياضية فی ائمه و ملوک الاباضیه چاپ کرده است (رک: تادیوس لویسکی، المورخون الاباضیون فی افريقيا الشمالي، ص ۷۳ و کارل بروکلمان، تاریخ الادب العربي، ج ۶، ص ۹۴).

۲. تحقیق جلول احمد بدوى، الجزایر: المؤسسه الوطنية للكتاب، ۱۹۸۴م. این کتاب با نام تاریخ فاطمیان و توسط حجت‌الله جودکی به فارسی برگردان شده است (تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۸).

۳. همان، ص ۱۱.

۴. تحقیق محمد سعید عریان، قاهره: المجلس الأعلى للشؤون الإسلامية، ۱۹۳۶م.

۵. تحقیق محمود علی مکی، بیروت: دارالغرب اسلامی، ۱۹۹۰م. این کتاب بخشی از تأثیف کامل ابن قطان است که در دسترس مانده است.

دریاره شمال آفریقا و اندلس بوده و در آن از تاریخ فاطمیان مصر نیز سخن گفته است.^۱ اما آنچه در دست ما مانده بخش اندکی از این اثر ارزشمند است یعنی تاریخ سال ۵۰۰ق، سالی که ابن تومرت مغربی به شرق سفر کرده تا ۵۳۳ق. این کتاب که نویسنده‌اش تعصب شدیدی به موحدین دارد^۲ براساس سال و حولیات تنظیم و تألیف شده است.

مدرسه تاریخ‌نگاری مغرب اسلامی در قرن هشتم، تاریخ‌نگاران بزرگی پرورش داده است. شاخص‌ترین مورخ این عصر ابن خلدون است که تاریخ جامع اسلامی را نوشته و برای همه شناخته شده است. اگرچه اطلاعات تاریخی ابن خلدون در حوزه مشرق اسلامی برگرفته از مورخان شرقی است، اما در جغرافیای غرب اسلام، نواوری‌های گران‌سنجی دارد مانند آنچه در مورد اقوام برابر نوشته است. نظر به اهمیت ابن خلدون و تاریخ او در اینجا پژوهش دکتر یونس فرهمند را دریاره ابن خلدون که ضمن رساله دکتری‌اش به نام تاریخ‌نگاری مغرب در قرن هشتم تدوین کرده در منظر دانشجویان و پژوهشگران قرار داده و از دکتر فرهمند سپاسگزاری می‌کنم. العبر، چنان که از نام کامل آن مستفاد است، تاریخی است عمومی که مؤلف با هدف نمایش اجمالی سرگذشت جهان به‌ویژه جهان اسلام به رشته تحریر درآورده است. مسلم است که پرداختن به تاریخ جهان و حتی شرق اسلامی در طرح اولیه کتاب که مؤلف خود ترسیم کرده وجود نداشته است؛ وی در این‌باره می‌گوید:

من در این کتاب وقایع را در این قسمت مغرب‌زمین خواه به صراحت و خواه به تدریج در ضمن نقل اخبار یاد خواهم کرد و قصد دارم این تأییف را به احوال نسل‌ها و نژادها و ملت‌های مغرب اختصاص دهم، بی‌آنکه از اقطار دیگر گفتگو کنم؛ زیرا از احوال مشرق و ملت‌های آن اطلاع ندارم و خبرهای منقول برای رسیدن به که آنچه من می‌خواهم کافی نیست.^۳

به نظر می‌رسد پس از مسافرت به مصر و دسترسی به منابع عظیم تاریخی آنجا بود که وی طرح کلی کتاب را توسعه داد. جالب توجه است که او از علل بی‌توجهی‌اش به تاریخ شرق اسلامی را در ادامه وجود آثار مسعودی خوانده؛ چه وی، مورخی است که از نزدیک «به سفرهای دور و دراز و سیاحت شهرها پرداخته است».^۴

۱. ذنون طه، ابن عذاری المراكشی شیخ مورخی المغرب العربي، ص ۱۵۸.

۲. افزون بر آنچه در نظام الجمان هویداست، از ظهور دولت موحدین و عبدالمؤمن، مؤسس دولت به «الامامه الكبرى» یاد کرده و کتابی با همین نام نوشته است (نظام الجمان، ص ۲۰).

۳. ابن خلدون، مقدمه، ج ۱، ص ۶۰ و ۶۱. ۴. همان، ص ۶۱.